

بازنمایی خانواده در رمان‌های فارسی (تحلیل روایی پنج رمان در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰)

مه‌دی مرادی^۱، احسان آقابابایی^۲، جمال محمدی^۳، مسعود کیانپور^۴

چکیده

ساختارهای جامعه در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ دست‌خوش تحولات بسیاری شد. در دهه ۱۳۴۰ شاه به یک رشته اصلاحات با نام «انقلاب سفید» دست زد؛ از جمله اهداف شاه تبدیل ایران از یک کشور عقب‌افتاده فتودالی به یک کشور پیشرفته صنعتی بود. در دهه ۱۳۸۰ نیز، با به قدرت رسیدن اصلاح‌طلبان، گفتمان‌های موجود در جامعه تغییر کرد و به زنان و خواسته‌های اجتماعی طبقه متوسط جدید توجه شد. خانواده، یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، از ساختارهای جامعه تأثیر می‌پذیرد. هدف از مطالعه حاضر تفسیر و مقایسه شیوه بازنمایی خانواده در رمان‌های دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ است. در این زمینه، پنج رمان متعلق به این دو دهه انتخاب شد. رویکرد کلی مطالعه حاضر نظریه بازنمایی و روش به‌کاررفته در آن تحلیل روایت است که در انگاره تفسیری قرار می‌گیرد. با کاربرد نظریه بازنمایی تلاش شد تا ارتباط میان سطح متن رمان و سطح فرامتن اجتماعی-اقتصادی کشف شود. بر اساس نتایج تحلیل‌ها، تحولات این دو دهه، که شتاب‌زده صورت گرفته است، باعث شده که در بازنمایی وضعیت خانواده‌ها، در سطح نظریه، روابط متقابل بین اعضای خانواده پُرترتش باشد و در سطح معنای بازنمایانه خانواده واپاشیده شود.

واژه‌های کلیدی

انقلاب سفید، بازنمایی، تحلیل روایت، خانواده، رمان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۵

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه مه‌دی مرادی با نام بازنمایی خانواده در رمان‌های فارسی است.

mehdi_moradi1369@yahoo.com
ehsan_aqababae@yahoo.com
m.jamal8@gmail.com
masoudkianpour@gmail.com

۱. کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی
۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
۴. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

مقدمه

آنچه جامعه‌شناسی ادبیات را از دیگر شکل‌های نقد ادبی جدا می‌کند این حکم نظری است که در آفرینش هنری یک فرد به‌تنهایی نقش ندارد، بلکه اثر بیان نوعی آگاهی جمعی است که هنرمند با شدتی بیش از دیگر افراد در تدوین آن شرکت می‌کند (گلدمن و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۰). در انواع پژوهش‌هایی که ذیل جامعه‌شناسی ادبیات قرار می‌گیرند، جامعه‌شناسی آفرینش ادبی اثر را همان‌قدر پدیده‌ای اجتماعی می‌داند که آفرینشی فردی؛ یا حتی آن را بیشتر پدیده‌ای اجتماعی می‌داند (همان: ۵۲). از طرفی، دو نوع جامعه‌شناسی آفرینش ادبی وجود دارد: یکی، جامعه‌شناسی استوار بر مفاهیم آگاهی جمعی واقعی است که احتمالاً در آثار متوسط و آنچه به رسانه‌های گروهی موسوم است بیشترین کارایی را دارد؛ و دیگری جامعه‌شناسی استوار بر مفاهیم آگاهی جمعی بالقوه، بیشینه آگاهی ممکن، و وحدت و غنا که در بررسی آفرینش‌های عظیم فرهنگی بسیار کارآمدتر است (همان: ۵۶). آنچه در پژوهش حاضر بر آن تمرکز شده است نوع اول آفرینش‌های ادبی است، زیرا هدف از این مطالعه بررسی بازنمایی تحولات یک مفهوم جامعه‌شناختی، به نام خانواده، در رمان‌های فارسی است.

رمان، که اثری است مبسوط‌تر از داستان و در قالب نثر (Abrams and Harpham, 2009: 51)، در به تصویر کشیدن روزگاری که در آن رمان نگاشته می‌شود توانایی خاصی دارد. در نظر ایان وات، «اثر ادبی با واقعیتی که در آن اثر تقلید شده است همخوانی دارد» (لاچ و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵). ای. ام. فورستر نیز بر آن است که رمان موظف به تصویرکردن زندگی بر بنیاد زمان است (همان، ۳۱)؛ این به معنای جهت‌گیری رمان از شرایطی است که در آن حضور دارد. جهت‌گیری کلی ادبیات، پس از تولد رمان، از صحبت راجع به اخلاقیات، به سمت تصویر واقعیات زندگی تغییر کرد. ریموند ویلیامز بیان می‌کند که از سال ۱۹۰۰ رمان رئالیستی دسته‌بندی و به دو نوع «معطوف به شخص» و «معطوف به جامعه» تقسیم شد (همان: ۹۲).

گفتنی است نوع دوم - که در آن می‌توان تصویری از زندگی جمعی را جست - درگیر شرایط سیاسی و اجتماعی نیز می‌شود. شرایط درباره ادبیات ایران هم به همین شکل است؛ وقتی که گفته می‌شود رمان در دوران نوسازی پهلوی دوم به مقابله با خصلت‌های صرفاً غربی پرداخته است (عابدینی، ۱۳۶۸: ۱۴) یا در دهه ۱۳۸۰ فقط شاهد یک بازنمایی عینی زندگی روزمره و نه چیز دیگری هستیم (احمدی آریان، ۱۳۹۳: ۲۹) منظور واضح است: رمان‌ها در این دوره از فضای اجتماعی- سیاسی موجود تأثیر پذیرفته‌اند یا، به عبارت دیگر، رمان‌ها آنچه را که در هر دهه رخ نموده است بازنمایانده‌اند. در این پژوهش کوشش شده است تا از طریق برخی از رمان‌های برجسته دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ به بازنمایی تأثیر شرایط اجتماعی- سیاسی این دو دهه در نهاد خانواده پرداخته شود.

در طرف دیگر، موضوع نهاد خانواده قرار دارد. این نهاد بسیار مهم نخستین گروه اجتماعی است که فرد به عضویت آن درمی‌آید. همچنین، نمی‌توان از نقش آن در تربیت و اجتماعی کردن کودکان - که کارکردگرایان ساختاری اهمیت زیادی برای این وظیفه خانواده قائل‌اند - چشم‌پوشی کرد. اینکه خانواده یک نهاد اجتماعی است سبب می‌شود تا از تحولات اجتماعی جاری در جامعه متأثر باشد. این تأثیرپذیری به صورت مسئله این پژوهش درآمد. بر همین اساس، بازنمایی خانواده در رمان‌های دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰، دهه‌های مد نظر این تحقیق، می‌تواند در بررسی این تأثیرپذیری مفید باشد. در این پژوهش کوشیده شده تا بررسی شود که تأثیر تحولات اجتماعی- سیاسی دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ در خانواده ایرانی، در رمان‌های فارسی چگونه بازنمایی شده است. پرسش‌هایی که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته خواهد شد عبارت‌اند از:

- خانواده در رمان‌های فارسی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ چگونه بازنمایی شده است؟

- رمان و نهاد خانواده از شرایط اجتماعی و اقتصادی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰

چگونه تأثیر پذیرفته است؟

- از مقایسه شیوه بازنمایی خانواده در رمان‌های دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ چه نتایجی حاصل می‌شود؟

ادبیات تحقیق

طبقه متوسط جدید

در مجموع، ارزش‌هایی که برای طبقه متوسط جدید برشمرده‌اند، اگرچه صرفاً مخصوص این طبقه نیست، در این طبقه برجسته‌تر به نظر می‌رسند؛ ارزش‌هایی همچون احترام‌گزاردن به قانون، اهمیت‌دادن به آموزش و تحصیلات، داشتن شغل مناسب، و دارا بودن جایگاه اجتماعی مناسب (Freedman, 1969). هیلد هم، در مطالعه خود، به یک رشته ارزش‌های دیگر این طبقه اشاره می‌کند؛ ارزش‌هایی از قبیل مسئولیت‌پذیری اجتماعی، آموزش به عنوان امکانی برای حل مشکلات اجتماعی و آمادگی برای دوران بزرگسالی، رفتار درست و صداقت، صرفه‌جویی، مسئولیت‌پذیری نسبت به خانواده، و تعهد به پیمان ازدواج (Heald, 1964).

بافت موقعیتی در دهه ۱۳۴۰

در دهه ۱۳۴۰ اتفاقات سیاسی بسیاری رخ داد: از روی کار آمدن چهار نخست‌وزیر و قتل یکی از آن‌ها گرفته تا سرکوب دانشجویان و محدود کردن فعالیت‌های جبهه ملی (کدی، ۱۳۶۹). اما، هیچ یک اهمیت و برجستگی انقلابی را که در این دهه رخ داد نداشتند. یکی از اهداف «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و ملت» در نظر شاه راضی کردن امریکایی‌ها بود (همان: ۲۳۸)، اما، در نظر وزیر وقت کشاورزی، تلاش برای ایجاد طبقه مستقل کشاورزان و دهقانان بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۰). اجرای این طرح کل دهه را در بر گرفت؛ طرحی که، با وجود ایجاد رشد صنعتی و رفاه نسبی، با ایجاد تورم بالا و تقسیم نابرابر درآمدها، در عمل، در جامعه مفید واقع نشد (فوران، ۱۳۸۳؛ کدی، ۱۳۶۹).

انقلاب شاه و ملت، فارغ از تحولاتی که در کشاورزی ایجاد کرد، در پایه و اساس خانواده هم تغییراتی به وجود آورد. این طرح موجب افزایش امکان تحصیل و بالارفتن سطح سواد دانش‌آموزان و دانشجویان تحصیل‌کرده (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۳۰) شد و بنیان‌های سنتی و پدرسالارانه خانواده‌های ایرانی را دستخوش تغییر کرد. از دیگر نتایج این طرح فراهم‌شدن زمینه تحصیل، حرکت به سمت نظام سرمایه‌داری، و رشد سریع طبقه متوسط بود.^۱ علاوه بر این، در زمینه مسائل زنان و حقوق آن‌ها هم کارهای بسیاری انجام شد؛ به زنان حق رأی داده شد و امکان حضور در بازار کار برایشان فراهم گردید (فوران، ۱۳۸۳: ۵۰۲). تحول در خانواده ایرانی صرفاً به همین دهه ختم نشد و چهل سال بعد در ایران دهه ۱۳۸۰ هم تکرار شد.

بافت موقعیتی در دهه ۱۳۸۰

در دهه ۱۳۸۰ طبقه متوسط جدید دوباره فعال شد. این طبقه، که در دهه ۱۳۸۰ به یک طبقه فعال سیاسی بدل شده بود، ریشه‌های فعال‌شدن دوباره خود را در یک دهه قبل جست‌وجو می‌کرد؛ این طبقه برای خود حقوق اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی را خواستار بود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۳۰) و در دولت هاشمی رفسنجانی پاسخ‌های مناسب و کافی در ارتباط با این نیازهای خود نیافته بود. در واقع، سیاست‌های دولت سبب جذب اقتصادی طبقه بالای جامعه شده بود و طبقه پایین هم، با وجود مشکلات اقتصادی، باز پیوندهای ایدئولوژیک محکم‌تری با دولت داشت (همان: ۱۳۱-۱۳۲). طبقه متوسط جدید با محوریت روشنفکران برای تحقق خواسته‌های خود در این دهه فعال شده بود (همان: ۱۳۰) و در دهه ۱۳۸۰ حضور خود را استمرار بخشید. نوع مطالباتی که این طبقه جدید داشت از جنس متفاوتی بود؛ از آن جمله می‌توان به ایجاد مبانی دولت ملی

۱. طبقه متوسط در ایران از زمان شروع اصلاحات بروکراتیک رضا شاه متولد شده بود.

مدرن به جای دولت‌های سنتی و کاریزماتیک، تجدید هویت و سنت‌های ملی ایران، و وضع قانون اساسی به شیوه اروپا اشاره کرد (همان: ۲۴). اما، مشکلاتی که در فضای جامعه وجود داشت سبب دلسردی اعضای این طبقه اجتماعی شد (رنانی و دیگران، ۱۳۹۳؛ شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲). در این دهه، همچون دهه ۱۳۴۰، زنان و حقوقشان در مرکز توجه قرار گرفت. در زمینه تحصیلات تکمیلی بر شمار دختران حاضر در دانشگاه‌ها افزوده شد و حتی از آمار پسران هم پیشی گرفت (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۲۸). همچنین، قوانین بسیاری در زمینه‌های طلاق، حضانت کودکان، و عدم خشونت علیه زنان وضع شد (همان: ۳۳۱)؛ قوانینی که هم به نفع آن‌ها بود هم سبب برجسته‌تر شدن جایگاه زن در خانواده و حذف برخی از محرومیت‌های ایجادشده بر آنان شد. در ادامه دهه ۱۳۸۰، اگرچه با کناررفتن اصلاح‌طلبان از قدرت تغییر گفتمانی رخ داد، بسیاری از سیاست‌ها همچنان جریان داشت، مثل رشد سریع پذیرش در دانشگاه‌های کشور (فوزی و رضائی، ۱۳۸۸).

روش

روش این پژوهش ترکیبی از نظریه‌بازنمایی و روش تحلیل روایت است و، به لحاظ پارادایمی، ذیل «پارادایم تفسیری» قرار می‌گیرد. تلاش شد، با کمک روش تحلیل روایت، متون تحلیل شوند و با بهره‌گیری از نظریه‌بازنمایی این تحلیل‌ها با بافت اجتماعی که آثار در آن‌ها تولید شده‌اند ارتباط یابند. در نظریه‌های سه‌گانه‌بازنمایی، از نوع برساختی این نظریه استفاده شد، زیرا بیشترین قرابت را با آنچه مد نظر است داشت. اگرچه در روش تحلیل روایت مؤلفه‌های متعددی وجود دارد، به نسبت موردهای مطالعه‌ای که انتخاب شد بر چهار مؤلفه رخداد، کنش، شخصیت‌پردازی، و صحنه‌آرایی تمرکز شد؛ این چهار مؤلفه به مؤثرترین شکل توانستند در تحلیل‌ها

نقش‌آفرینی کنند. برای بخش چارچوب روشی از آرای شلومیت ریمون‌کنان و آرتور آسابرگر استفاده شد.

داستان زنجیره‌ای از رخدادها را در بر می‌گیرد؛ یعنی روایت‌ها در چارچوب یا طی نوعی دوره‌ زمانی صورت می‌گیرند (آسابرگر، ۱۳۸۰: ۱۸). می‌توان روایت را معرف زنجیره‌ای از رخدادها نامید (لوت، ۱۳۸۸: ۹-۱۰). در روند اجرای تحلیل‌ها، نخست رمان‌ها بخش‌بندی شد؛ البته، معیار نگارندگان در کار بخش‌بندی این بود که بخش‌ها مشتمل بر یک یا دو رخداد باشند. سپس، مؤلفه‌های رخداد، کنش، شخصیت‌پردازی، و صحنه‌آرایی رمان‌ها از این منظر بررسی شد که آیا در پاسخ‌دهی به پرسش‌های این پژوهش نقشی ایفا می‌کنند؟ سرانجام، به تحلیل شرایط اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی معاصر با دوران نگارش رمان‌ها اشاره شد تا شیوه‌ بازنمایی صورت‌گرفته توسط رمان‌ها بررسی شود. نکته اصلی درباره مؤلفه صحنه‌آرایی، برخلاف سه مؤلفه دیگر، این است که این مؤلفه مستقیماً با تصویرکردن نهاد خانواده در ارتباط نیست؛ برعکس، نگارندگان پژوهش حاضر بر آن‌اند که صحنه‌آرایی به طریقی کاملاً تلویحی و ضمنی در تأیید استدلال نگارندگان نقش ایفا می‌کند. برای آسان‌تر شدن جمع‌بندی تحلیل‌ها، جدول‌هایی ترسیم شد. به همین منظور، برای رخدادها و کنش‌های بررسی‌شده عناوین خاصی انتخاب شد؛ هر یک از آن‌ها در بخش مؤلفه‌ها ذکر خواهد شد.

بازنمایی

فرایندی که سه عنصر چیزها، مفاهیم، و نشانه‌ها را به هم پیوند می‌دهد «بازنمایی» نامیده می‌شود (Hall, 1997: 24). درباره شیوه بازنمایی سه رهیافت وجود دارد: انعکاسی؛ تعمیدی؛ برساخت‌گرا (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۴). در این مطالعه از رهیافت برساخت‌گرا استفاده شد؛ این رهیافت ماهیت اجتماعی و عمومی زبان را به رسمیت

می‌شناسد. علت انتخاب این نوع از بازنمایی این است که اساساً رمان‌ها برساخته نویسندگان‌اند و سرانجام به نوعی بازنمایی برساختی منجر خواهند شد. این رهیافت باور دارد که اشیا و رویدادها به خودی خود و نیز کاربران به‌تنهایی نمی‌توانند معنا در زبان را تثبیت کنند، زیرا اشیا و رویدادها معنا ندارند، ما معنا را با استفاده از نظام‌های بازنمایی می‌سازیم. از این رو، به آن «رهیافت برساخت‌گرا» می‌گویند. بر طبق این رهیافت، این جهان مادی نیست که حاوی معناست، بلکه این سیستم زبان است که ما برای ارائه مفاهیم خود از آن استفاده می‌کنیم. این بازیگران زبان هستند که از چارچوب‌های مفهومی و فرهنگ و سایر نظام‌های زبانی و بازنمایی دیگر برای ساخت معنا استفاده می‌کنند تا بدین‌وسیله جهان را معنادار سازند (همان: ۲۵).

اعتبار روش

محققان اعتبار روش را برای تأیید کیفیت مطالعات روایت‌محور ضروری می‌دانند (Loh, 2013). برای اعتبار روش از چهار معیار موجود در چارچوب گوبا و لینکلن استفاده شد. برای معیار باورپذیری به استدلال ایان وات ارجاع شد؛ ایان وات بر آن است که «اثر ادبی با واقعیتی که در آن اثر تقلید شده است همخوانی دارد» (لاچ و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵). در تأیید اطمینان‌پذیر بودن این پژوهش، باید گفت که داده‌های این پژوهش رمان‌های چاپ‌شده و انتشاریافته است. اینکه دلیل به دست آوردن تک‌تک معناهای پنهان ذکر شده دلیلی بر تأییدپذیری این مطالعه است. چون این مطالعه را راجع به نمایشنامه‌های دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ هم می‌توان انجام داد، می‌توان گفت که معیار انتقال‌پذیری هم رعایت شده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل همه رمان‌های چاپ‌شده بین سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۵۰

و ۱۳۸۰ - ۱۳۹۰ است؛ رمان‌هایی که راجع به موضوع خانواده‌اند. درباره کل جامعه آماری - شامل همه رمان‌های چاپ‌شده در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ - اطلاعات مشخصی یافت نشد. حجم نمونه، که به صورت هدفمند انتخاب شده، شامل پنج رمان است: سه رمان مربوط به دهه ۱۳۴۰ و دو رمان مربوط به دهه ۱۳۸۰. بر اساس مطالعه رمان‌ها و نقدهایی که بر این آثار نوشته شده بود این پنج رمان انتخاب شدند. در انتخاب رمان‌ها دو معیار در نظر گرفته شد: اول، ارتباطی که مضمون این آثار ادبی با موضوع خانواده دارد؛ دوم، داستان رمان‌ها باید در دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ اتفاق افتاده باشد. چون یکی از هدف‌های این پژوهش بررسی تأثیرپذیری نهاد خانواده از تحولات اجتماعی و ساختاری است، تلاش شد تا در رمان‌های انتخاب‌شده به تحولات اجتماعی و ساختاری دهه‌های ذکر شده هم پرداخته شود. رمان‌های دهه ۱۳۴۰ عبارت‌اند از: سفر شب، اثر بهمن شعله‌ور، درازنای شب، اثر جمال میرصادقی، و سفر، نوشته محمود دولت‌آبادی. رمان‌های دهه ۱۳۸۰ نیز عبارت‌اند از: پرنده من، اثر فریبا وفی، و کافه پیانو، اثر فرهاد جعفری.

جدول ۱. مشخصات موردهای مطالعه

شماره	نام رمان	نویسنده	سال چاپ
۱	سفر شب	بهمن شعله‌ور	۱۳۴۵
۲	سفر	محمود دولت‌آبادی	۱۳۴۷
۳	درازنای شب	جمال میرصادقی	۱۳۴۹
۴	پرنده من	فریبا وفی	۱۳۸۱
۵	کافه پیانو	فرهاد جعفری	۱۳۸۶

یافته‌ها

رمان سفر شب

داستان رمان

سفر شب زندگی پسری به نام هومر را طی ده سال روایت می‌کند. هومر علاقه زیادی به نویسندگی دارد. او با پدرش اختلاف عقیده‌های بسیاری دارد. پدرش دوست

دارد که هومر مثل خودش بار بیاید و از نویسندگی دست بردارد. از طرفی، دوستان هومر، چه در نوجوانی چه در جوانی، افرادی اهل مطالعه‌اند و ویژگی مشترک همه آنها یأس و ناامیدی است؛ این ویژگی آن‌ها را آزار می‌دهد. پس از مدتی، هومر تصمیم می‌گیرد که مستقل از خانواده‌اش زندگی کند. از طرفی هم، چون در حال تحصیل در رشته پزشکی است، به مطالعه درس‌هایش مشغول می‌شود. در ادامه داستان، او با اکبر شیراز و حسین دیپلمه آشنا می‌شود و دوستی با آن‌ها بخشی از داستان را به پیش می‌برد. سرانجام، وقتی ناامیدی هومر به نهایت حد خود می‌رسد، از همه جدا می‌شود و به امریکا مهاجرت می‌کند.

در این رمان سه روایت وجود دارد: روایت مربوط به هومر و خانواده‌اش روایت مرکزی است. روایت اکبر شیراز و حسین دیپلمه و روایت دوستان هم‌دوره‌ای هومر هم روایت اقماری است. هیچ یک از روایت‌ها با هم ارتباط خاصی برقرار نمی‌کنند.

مؤلفه‌ها

این بخش دو رخداد دارد: اولی، رخدادی است که در آن هومر حالش به هم می‌خورد؛ این رخداد «دیوانه‌بازی در آوردن هومر» نام‌گذاری شد؛ دومی، رخدادی است که در آن هومر با پدرش به خیابان می‌رود تا پدرش برای او خرید کند؛ نام این رخداد هم «با هم به خرید رفتن پدر و پسر» گذاشته شد. دو کنش مهم در این رمان وجود دارد: یکی، کنش رفتن هومر به خانه. چون هومر آن شب روی تخته‌سنگی می‌خوابد، این کنش «خوابیدن روی تخته‌سنگ» نام‌گذاری شد؛ و دیگری تصمیم هومر برای جداشدن کامل از خانواده‌اش؛ نام این کنش نیز «ترک همیشگی خانواده» انتخاب شد. از روی علائق و تمایلات هومر می‌توان تشخیص داد که او هنر را دوست دارد، اهل مطالعه است، و به نوشتن علاقه‌مند است. پدر هومر مردی خودساخته و خودرأی است و به نظر او فرزندان‌ش باید کاملاً مطیع اوامر او باشند. صحنه‌آرایی رمان هم به

زبانی تلویحی فضایی را که داستان در آن رخ می‌دهد تصویر می‌کند. آنچه صحنه‌آرایی را برجسته می‌کند موضوع اختلاف طبقاتی است. از نوع ساختمان‌ها و مکان‌های تفریحی، که برای فقرا و ثروتمندان نشان داده می‌شود، خواننده به اختلاف شدید بین طبقات پی می‌برد.

رمان سفر

داستان رمان

رمان سفر زندگی خانواده‌ای را طی یک سال روایت می‌کند. مختار برای پیدا کردن کار تصمیم می‌گیرد به کویت برود. مدتی طولانی هیچ خبری از او نمی‌شود. در این میان، مرحب، کارگری ساده، به خاتون، همسر مختار، علاقه‌مند می‌شود. پس از شنیدن خبر مرگ مختار در کویت، خاتون هم به مرحب وابسته می‌شود. پس از مدتی، مختار، که نمرده و یک پایش را از دست داده، به تهران بازمی‌گردد، اما نمی‌تواند از سر شرمندگی به سراغ خانواده‌اش برود. مختار بعد از اینکه چند وقت از دور خانه‌اش را نظاره می‌کند، از غصه معلولیتش و بدرفتاری‌هایی که با او می‌کنند و به تصور اینکه زنش بدکاره شده است خودکشی می‌کند. در پایان، مرحب هم که به دلیل بی‌کاری تصمیم گرفته تا خاتون را ترک کند منصرف می‌شود و کنار او می‌ماند.

در این اثر رد سه روایت را می‌توان شناسایی کرد: روایت خاتون و خانواده‌اش؛ روایت مرحب؛ و روایت علی و خانواده‌اش. در واقع، بر اساس نظر چتمن، روایت‌های مربوط به مرحب و خاتون و خانواده‌اش هسته و روایت علی و خانواده‌اش اقمار هستند. روایت‌های مرکزی با هم ارتباط دارند.

مؤلفه‌ها

سه رخداد در این رمان مد نظر بوده است: یکی، مختار خانه را ترک می‌کند و به قصد پیدا کردن کار به کویت می‌رود؛ این رخداد «مختار خانه را ترک می‌کند» نام‌گذاری

شد. رخداد بعدی «رخداد کارخانه لاستیک‌سازی» است. مرحب باخبر می‌شود که کارخانه لاستیک‌سازی قصد دارد شماری کارگر را به خدمت بگیرد. اما، مرحب به دلیل کمبود وزن پذیرفته نمی‌شود. سومین رخداد شرایط خانه و خانواده علی است؛ عنوان «وضعیت خانواده علی» برای این رخداد برگزیده شد. در میان کنش‌های رخ داده نیز، سه کنش خودکشی مختار، تنش‌ها، و جروب‌های بی‌بی و خاور - این کنش به اختصار «جروب‌ها» نام‌گذاری شد - و دعوای خاتون و مادرش - برای این کنش نیز به اختصار «دعواها» انتخاب شد - برای تفسیرکردن انتخاب شدند.

شخصیت‌های رمان شامل مرحب، خاتون، مختار، بی‌بی، و خاور است. هر یک از اعضا به شکلی خاص متأثر از مشکلات‌اند. مرحب معمولاً آدمی خوش‌رو و البته سخت‌کوش است. او بیشتر عمرش را در سفر گذرانده. او نقش منجی را دارد که به خاتون و خانواده‌اش کمک می‌کند. خاتون زنی سستی به شمار می‌آید، چون از رفتارش پیداست که برتری مرد بر زن را کاملاً قبول دارد. در بررسی شخصیت مختار گفتنی است مختار بازگشته‌از سفر نه تنها هیچ شباهتی به مردی که در آغاز داستان جدی و کاری بود ندارد، بلکه به مردی ضعیف، حقیر، و ظنین بدل شده است. بی‌بی زنی سستی و جاه‌طلب است؛ به نحوی که برای حل کردن مشکلات به هر روشی، از جمله فداکردن پاکی و عفت دخترش، دست می‌زند. خاور هم تا قبل از بروز مشکلات دختر آرامی به نظر می‌رسد، اما مشکلات و کج خلقی‌های اطرافیان از او دختری بهانه‌گیر و نق‌نقو می‌سازد. صحنه‌آرایی هم، با به دست دادن توصیفات از خانه مختار، به پدیده حلی‌آبادنشینی اشاره می‌کند.

رمان درازنای شب

داستان رمان

درازنای شب شش ماه از زندگی کمال، قهرمان داستان، را بازگو می‌کند. کمال

دانش‌آموز دبیرستانی است و فقط یک سال باقی مانده تا مدرک دیپلم بگیرد. او از یک خانواده مذهبی است؛ خانواده‌ای که همیشه در ماه محرم به عزاداری و نذری‌دادن می‌پردازند. کمال پدر مستبدی دارد؛ پدر کمال دائم او را تحقیر می‌کند. کمال با خانواده منوچهر و شیوه زندگی آن‌ها آشنا می‌شود. کمال کم‌کم با مهمانی‌ها، جشن‌ها، و خوش‌گذرانی‌های این گروه از جامعه آشنا می‌شود. در این میان، کمال با محمود، که معلم است، آشنا می‌شود. محمود اهل مطالعه است و مثل کمال با پدرش به مشکل خورده است؛ به همین دلیل جدا از خانواده‌اش زندگی می‌کند. آشنایی با زندگی خانواده‌هایی همچون خانواده منوچهر و کسانی مثل محمود سبب می‌شود که کمال در درستی روش زندگی خانواده خود شک کند. با شناختی که از خود دارد، می‌داند که با زندگی و خوش‌گذرانی‌های طبقه مرفه سازگاری ندارد. کمال از خانواده‌اش جدا می‌شود و روشی همچون روش زندگی محمود را در پیش می‌گیرد.

در رمان *درازنای شب سه* روایت را می‌توان ردیابی کرد: روایت خانواده کمال؛ روایت منوچهر و نزدیکانش؛ و روایت محمود. روایت‌های خانواده کمال و منوچهر و نزدیکانش روایت مرکزی‌اند و روایت محمود روایت اقماری است. دو روایت خانواده کمال و منوچهر و نزدیکانش از طریق حضور کمال در آن خانواده‌ها معرفی می‌شوند و در واقع هیچ ارتباطی بین آن‌ها برقرار نمی‌شود. اما، روایت محمود و منوچهر و نزدیکانش با هم مرتبط‌اند.

مؤلفه‌ها

نخستین رخداد با عنوان «مشاجره با حاج‌عمو» نام‌گذاری شد. رابطه خوب کمال با مادرش به سبب مشاجره‌هایی که بین آن‌ها رخ می‌دهد به سردی می‌گراید؛ نام این رخداد «فاصله‌گرفتن از مادر» گذاشته شد. در رخداد سوم کمال تصمیم گرفته با دوستانش به مسافرت برود. لحظه رفتن با مخالفت پدر روبه‌رو می‌شود. آن دو با هم درگیر می‌شوند؛ این رخداد «گلاویزشدن با پدر» نام‌گذاری شد.

از میان کنش‌های موجود سه کنش بررسی شد: کمال پس از مشاجره با پدرش، که در بخش‌های اول اتفاق می‌افتد، خانه را ترک می‌کند؛ برای این کنش نام «قهرکردن از خانه» انتخاب شد. یکی از روزها که کمال به مدرسه رفته است، متوجه می‌شود که مدرسه تعطیل است، با وجود این، تمایل ندارد به خانه برگردد و با دوستانش همراه می‌شود. نام این کنش «دوری کردن از خانه» انتخاب شد. دوستان کمال او را به سینما می‌برند. کمال، که از دیدن سینما هیجان‌زده است، در حرف‌هایش، که تعجب مادرش را به دنبال دارد، می‌گوید که پدرش هیچ از سینما نمی‌داند و حرف‌هایش درست نیست. برای این کنش نام «پرخاش به پدر» برگزیده شد.

در مؤلفه شخصیت‌پردازی هم، تلاش کمال برای تجربه چیزهای جدید و خواست بزرگ‌ترهای او برای ممانعت از این کار درخور توجه است. بزرگ‌شدن در خانواده‌ای سنتی و مذهبی باعث شده است که کمال علاقه و آفری به مراسم مذهبی داشته باشد. اما معاشرت وی با دوستان جدید سبب فاصله‌گرفتن از این شیوه زندگی می‌شود. پدر کمال خسیس و خشک‌مقدس است و جز حرف خودش حرف هیچ‌کس دیگری را قبول ندارد. عزیز هم نمی‌تواند تغییرات کمال را بپذیرد و چون از او انتظار پسری مطیع را دارد، دیدگاه‌های متفاوت کمال را بی‌احترامی و گستاخی می‌انگارد. در صحنه‌آرایی هم به نوسازی‌ها و تغییراتی که در ظاهر شهر ایجاد می‌شود توجه شده است.

تحلیل فرامتن: دهه ۱۳۴۰

در این دهه سالن‌های سینما یکی از تأسیساتی بود که در کنار خیابان‌های ممتد و مستقیم نوساز بنا می‌شد (سینماهای قدیمی‌تر در کوچه‌ها بنا شده بودند). از این مکان فراغتی جدید به‌خوبی استقبال شد. سینما، که در خیابان‌های استانبول، لاله‌زار، فردوسی، و پهلوی شکل می‌گرفت، به‌سرعت به یکی از عناصر زندگی اجتماعی جدید تبدیل

شد. آن‌گونه که از آمارها برمی‌آید، در شهر تهران در سال‌های ۱۳۴۰، ۱۳۴۵، و ۱۳۵۰ به ترتیب ۵۸، ۸۳ و ۱۱۹ سینما بوده است؛ این ارقام نشان‌دهنده رشد صنعت سینما و فراهم‌شدن امکان استفاده از آن برای مردم بوده است (اجلالی، ۱۳۹۲).

طبقات اجتماعی و ظهور انواع جدید آن از جمله بنیادی‌ترین نتایج حاصل از تحولات دهه ۱۳۴۰ است. از آن جمله می‌توان به طبقات بورژوا، متوسط جدید، و خرده‌بورژوازی سنتی اشاره کرد. در رمان‌های سفر شب و درازنای شب موضوع تقابل طبقات برجسته است. در سفر شب با تقابل طبقه بورژوا و طبقه متوسط جدید روبه‌رو هستیم و در اثر میرصادقی هم تقابل طبقاتی بین طبقه متوسط جدید و خرده‌بورژوازی سنتی قابل ردیابی است. طبقه بورژوا طبقه مرفه و ثروتمند به شمار می‌آید. ثروتمندان شهر زندگی مرفه و خوشی داشتند؛ در حالی که فقرا در آلونک‌های حلبی‌آبادها بدون هیچ‌گونه امکانات عمومی - مثلاً یک سیستم حمل‌ونقل مناسب - به سر می‌بردند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۵۳). طبقه بورژوا از اواخر دهه ۱۳۳۰ به شکل ویژه‌ای مورد توجه دولت بود؛ گرفتن وام‌های کم‌بهره یکی از نشانه‌های این توجه است. علاوه بر این، در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ افزایش قیمت نفت به دلایلی سبب تقویت بیشتر این طبقه شد. نخست آنکه دولت با نرخ‌های مطلوب به برگزیدگان تجاری وام اعطا می‌کرد؛ و دوم اینکه تورم و افزایش درآمدهای واقعی منجر به پیدایش سودهای بادآورده از طریق خرید و فروش زمین و ساختمان‌سازی شد (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۱).

طبقه متوسط جدید طبقه مهم این دوران است که خود محصول تحولاتی است که از آن نام برده شد؛ طبقه‌ای شامل کارمندان یقه‌سفید و متخصصان و حرفه‌ای‌های تحصیل‌کرده (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۴۹). ناگفته نماند که این طبقه به فعالیت‌های سیاسی هم گرایش داشت؛ البته، فراهم‌نشدن فضای لازم برای این مشارکت سبب سرخوردگی این طبقه شد (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۸۶: ۸۶). علاوه بر این، افزایش قشر دانشجو، که

در زمره طبقه متوسط جدید جای می‌گرفت، با فضای رادیکال جهانی موازی شده بود و چون در درون فضای سیاسی کشور این جمعیت مدیریت نشده بود، بسیاری از آن‌ها به عقاید چپ‌گرایانه و انقلابی گرایش پیدا کردند (همان: ۸۹). آبراهامیان نیز در این باره به این موضوع اشاره می‌کند که تغییرات ناشی از انقلاب سفید سبب شد تا «جمعیت دو طبقه‌ای که در گذشته رژیم پهلوی را در معرض جدی‌ترین چالش قرار داده بود - روشنفکران و طبقه کارگر شهری - بیش از چهار برابر شد» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۵۱).

دیگر طبقه موجود طبقه خرده‌بورژوازی سنتی است. احمد اشرف و بنوعیزی توصیف مناسبی از این طبقه به دست داده‌اند:

«پیشه‌وران و کسبه هسته خرده‌بورژوازی سنتی در ایران بودند. مغازه‌های آن‌ها در بازارهای مسقف و در خیابان‌های محله‌های جدید شهری قرار داشت. آن‌ها سرمایه‌اندکی به کار می‌گرفتند. خود کار یدی می‌کردند و محصولاتشان را به صورت خرده‌فروشی می‌فروختند و معمولاً یک یا چند شاگرد و پادو داشتند. مغازه‌داران، پیشه‌وران، و شاگردان آن‌ها یک گروه منزلتی واحدی را تحت عنوان کسبه تشکیل می‌دادند و به همراه روحانیت حاملان اصلی شیوه زندگی و ارزش‌های سنتی شهری بودند» (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۶: ۹۰).

حرکت سریع به سمت مدرنیزاسیون سبب کاهش جمعیت فعال بخش کشاورزی شده بود؛ به طوری که سهم کشاورزی از ۴۸٫۶ درصد جمعیت فعال در سال ۱۳۴۱ (حدود ۳٫۲ میلیون نفر) به ۳۲٫۱ درصد در سال ۱۳۵۶ (حدود ۲٫۹ میلیون نفر) کاهش یافته بود (سوداگر، ۱۳۶۹: ۶۷۱). جمعیت فعال کشور با آهنگی سریع‌تر از جمعیت شاغل رو به فزونی داشت. طبق آمارها، جمعیت فعال کشور از شش میلیون نفر در ۱۳۳۵ به ۷٫۶ میلیون نفر در ۱۳۴۵ رسیده بود (همان: ۶۷۰)؛ و این دلیلی بود بر بالارفتن میزان بی‌کاری. طبق آمارهای موجود، صدهزار ایرانی در دهه ۱۳۴۰ در کشورهای

حاشیه خلیج فارس به کار مشغول بودند (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۷: ۶۹)؛ این حقیقت نشان می‌دهد که برای مثال رفتن قهرمان رمان سفر به کویت بی دلیل نبوده است. مهاجرت کارگران خود می‌تواند گواهی بر مناسب نبودن اوضاع کار و بازار اشتغال در ایران آن روزگار باشد. آنچه گفته شد هم نشان‌دهنده بی‌کار شدن شاغلان و افراد مرتبط با بخش کشاورزی است هم نشان‌دهنده جذابیت بازارهای کار کشورهای حوزه خلیج فارس. از سوی دیگر، توزیع ناموزون پراکندگی شغل‌ها و افزایش سهم مشاغل صنعتی و خدماتی نسبت به مشاغل کشاورزی (سوداگر، ۱۳۶۹: ۶۷۱) منجر به این شد که شاغلان بخش کشاورزی شغل خود را از دست بدهند.

رمان پرنده من

داستان رمان

رمان پرنده من زندگی زنی را با شوهر و دو فرزندش روایت می‌کند. امیر، همسر این زن، علاقه زیادی به جلای وطن و رفتن به کانادا دارد؛ به همین دلیل، یک بار تا مرز یونان می‌رود، اما مجبور به بازگشت می‌شود. اما، راوی، همسر امیر، با این مهاجرت مخالف است و دوست دارد در ایران زندگی کنند. امیر به سختی موفق می‌شود خانه‌ای بخرد و دیگر مستأجر نباشند. اما خودش هیچ علاقه‌ای به این خانه ندارد و یک سال از سکونتشان در آن نگذشته، به منظور مسافرت به کانادا، می‌خواهد خانه را بفروشد. در کنار این اتفاقات، راوی، همسر امیر، پیوسته از گذشته‌اش نقل می‌کند و از زندگی خودش، پدر و مادر، و دو خواهر بزرگ‌ترش می‌گوید. گذشته راوی در زندگی مشترک او و امیر تأثیر گذاشته است. سرانجام، امیر خانه را می‌فروشد و راوی تصمیم می‌گیرد به خانه پدری‌اش برگردد.

زندگی مشترک امیر و همسرش و خانواده پدری همسرش دو روایتی هستند که در

سراسر رمان وجود دارند. زندگی مشترک امیر و همسرش روایت مرکزی است و خانواده پدری همسر امیر روایت اقماری است. دو روایت کاملاً با هم تعامل دارند.

مؤلفه‌ها

از میان همه رخدادهایی که روایت داستان را به پیش می‌برند دو رخداد برای بررسی انتخاب شد: یکی، دعوای بین امیر و راوی؛ این رخداد «دعوا بر سر رفتن به کانادا» نام‌گذاری شد. دومین رخداد، که رخداد پایانی هم هست، امیر خانه را می‌فروشد؛ این رخداد «فروش خانه» نام نهاده شد. دو کنش هم، که از سایر کنش‌ها مفیدتر بود، برگزیده شد: یکی، کنش رفتن امیر از خانه به قصد کوه؛ و دیگری، کنشی که در آن امیر به باکو سفر می‌کند. کنش اول «کوه رفتن» و کنش دوم «مهاجرت» نام‌گذاری شد. شخصیت مرد خانه بسیار خودخواه است و برای رسیدن به اهدافش خواست دیگران برایش مهم نیست. مؤلفه صحنه‌آرایی هم به طور جداگانه به موضوع زندگی آپارتمان‌نشینی و سختی آن اشاره می‌کند.

رمان کافه پیانو

داستان رمان

کافه پیانو داستان مرد کافه‌داری است که عشق و علاقه بسیاری به همسرش دارد. اما، به سبب اختلافاتی که با هم دارند، تصمیم می‌گیرند از هم جدا شوند. آن‌ها دختری به نام گل‌گیسو دارند که پیش پدرش زندگی می‌کند. مرد کافه‌دار در اصل برای این کافه را دایر کرده است تا بتواند با درآمد آن مهریه همسرش را تهیه کند و بپردازد. کافه‌دار در طول داستان هم درباره برخی از مشتری‌ها و دوستانش توضیح می‌دهد. پس از مدتی، صفورا، که در آپارتمان روبه‌روی کافه زندگی می‌کند، به این قصد که وارد زندگی راوی شود، خود را به کافه‌دار نزدیک می‌کند. به بهانه اجراکردن نمایش در کافه به او نزدیک می‌شود و بعد هم در کافه مشغول به کار می‌شود. اما، از آنجا که راوی همسر

خود را بسیار دوست دارد، به صفورا می‌گوید که هیچ‌کس جای پری‌سیما را برایش پُر نمی‌کند و صفورا از زندگی او خارج می‌شود. کافه‌دار، سرانجام، به خواهرزنش پیغام می‌دهد که با پری‌سیما هم نمی‌تواند زندگی کند.

در طول رمان دو روایت وجود دارد. نقطه اشتراک این دو روایت راوی است. روایت راوی و همسرش، پری‌سیما، روایت مرکزی است. رابطه صفورا و راوی نیز روایت اقماری است. این دو روایت هیچ ارتباطی با هم ندارند و کاملاً از هم جدا هستند.

مؤلفه‌ها

در این رمان یک رخداد درخور توجه است: تلاش صفورا برای ورود به زندگی راوی؛ برای این رخداد نام «ورود صفورا به زندگی راوی» انتخاب شد. از زبان پری‌سیما، همسر راوی، می‌شنویم که چون او دو سال برای ادامه تحصیل خانواده‌اش را ترک کرده، پای زن دیگری به زندگی همسرش باز شده است. برای تحلیل کنش‌ها هم دو کنش از همه مؤثرتر بود: اولی، کنشی است که در آن پری‌سیما در حال ادامه تحصیل و دور از خانواده‌اش است؛ نام این کنش «ادامه تحصیل پری‌سیما» انتخاب شد. میزان تمرکز و توجه پری‌سیما به ادامه تحصیل سبب می‌شود تا از وظایف خود در خانه و نسبت به اعضای خانواده‌اش غافل شود. کنش دوم کنش راوی در رفتن به راه‌آهن است؛ کنشی که در آن راوی برای استقبال از همسرش به راه‌آهن می‌رود؛ این کنش «رفتن به راه‌آهن» نام‌گذاری شد. بی‌علاقه‌بودن به هنگام رفتن به استقبال از همسر - که تازه از درس و دانشگاه فارغ شده است - کاملاً مشهود است. آنچه درباره شخصیت پری‌سیما حائز اهمیت است جاه‌طلبی اوست. پری‌سیما معلم است و، به گفته همسرش، فقط برای اینکه مقدار کمی به حقوقش اضافه شود حاضر شده خانواده‌اش را ترک کند و به دنبال ادامه تحصیل برود. در باب مولفه صحنه‌آرایی گفتنی است بیش از نیمی از جریان داستان در کافه‌پیانو می‌گذرد و صحنه‌آرایی به فضای کافه اختصاص

می‌یابد. برجستگی مکان کافه در صحنه‌آرایی این رمان بیانگر آن است که چون کافه یکی از مکان‌های مورد علاقه طبقه متوسط برای گذران اوقات فراغت است، رمان به مسئله طبقه متوسط جدید و دغدغه‌های آن توجه ویژه‌ای دارد.

تحلیل فرامتن: دهه ۱۳۸۰

مهاجرت یکی از مسائلی است که برخی از افراد طبقه متوسط جدید به آن تمایل نشان می‌دهند. با توجه به خواسته‌های این طبقه، در صورتی که این خواسته‌ها عملی نشود، بسیار طبیعی است که آن‌ها خروج از کشور و رفتن به کشورهای توسعه‌یافته را، به منزله راه‌حل، انتخاب کنند. به طور کلی، عوامل گوناگونی به مهاجرت افراد به منطقه یا کشور دیگر منجر می‌شود. این عوامل را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: سیاسی؛ اقتصادی؛ جغرافیایی؛ و محیطی. بسته به شرایط هر کشور، نقش و اهمیت هر یک از این عوامل در جریان مهاجرت تغییر می‌کند (رنانی و دیگران، ۱۳۹۳).

در برخی پژوهش‌ها به عوامل متعدد تسریع روند مهاجرت از کشور اشاره شده است. بر طبق این پژوهش‌ها، عوامل مؤثر در مهاجرت دو دسته است: دافعه‌های کشور مبدأ؛ و جاذبه‌های کشور مقصد. البته، در پژوهش حاضر، فقط با دسته اول سروکار داریم. در یکی از بررسی‌ها نشان داده شد که مسائلی همچون کیفیت زندگی و عوامل نهادی و سیاسی در تسریع میزان مهاجرت مؤثر است؛ به این معنی که بهبودنیافتن وضعیت این عوامل در دهه ۱۳۸۰ سبب افزایش مهاجرت در این دهه شده است (همان). در پژوهشی دیگر به عوامل مؤثر در مهاجرت بین سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۷ پرداخته شد. از جمله عوامل مؤثر در مهاجرت فضای سیاسی و اقتصادی جامعه است. محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، همچون ایران، عامل دافعه است و سبب رشد میزان مهاجرت می‌شود (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲).

در اینجا باید به موضوع طبقه متوسط در ایران نیز اشاره کرد. برای سنجش این طبقه اجتماعی شاخص‌هایی وجود دارد؛ از میان آن‌ها سطح و میزان تحصیلات مهم‌تر است. بقیه شاخص‌ها عبارت‌اند از: میزان جمعیت شهرنشین؛ رشد بوروکراسی؛ شیوه زندگی و الگوی مصرف که در تفکیک طبقاتی نقش عمده‌ای دارد. شیوه زندگی شامل شاخص‌هایی است، مثل مسکن و اتومبیل؛ شیوه گذران اوقات فراغت؛ داشتن وسایل مدرن زندگی؛ و پس‌انداز (فوزی و رضانی، ۱۳۸۸). از میان این شاخص‌ها، شاخص سطح تحصیلات عالی اهمیت بیشتری دارد. در دهه ۱۳۸۰ و بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۷ بر شمار دانشجویان کشور بسیار افزوده شده است. بر طبق آمارها، این رشد بیش از دو برابر بوده و از حدود یک‌ونیم میلیون نفر به بیش از سه‌ونیم میلیون نفر رسیده است (همان).

در ارتباط با تحولات اجتماعی دهه ۱۳۸۰، باید به میزان توجه بسیار زیاد به زنان و حقوق آن‌ها اشاره کرد، از جمله این توجهات زمینه‌های ادامه تحصیل و مسائل مربوط به ازدواج و طلاق است. در این دوران برای حمایت از حقوق زنان اقداماتی صورت گرفت. به زنان اجازه شد بدون استفاده از بورسیه‌های دولتی در دانشگاه‌های خارج از کشور تحصیل کنند و به دختران دانش‌آموز نیز اجازه پوشیدن روپوش‌های رنگی داده شد. سن ازدواج دختران به پانزده سال افزایش یافت. راه‌های ورود زنان به نظام قضایی دوباره باز شد و زنان در دادگاه‌های خانواده حقی برابر برای طلاق به دست آوردند. حق حضانت از فرزندان زیر هفت سال برای زنان در نظر گرفته شد (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۳۳۱). این‌ها فقط بخشی از تحولات اجتماعی است که هم حقوق زنان را به رسمیت شناخت هم ورود آن‌ها را به اجتماع تسهیل کرد. مسئله مهم درخور اشاره در دهه ۱۳۸۰ آمار رو به رشد طلاق در این دهه است. بر اساس اطلاعات استخراج‌شده از سایت رسمی سازمان ثبت احوال کشور، آمارهای ازدواج و طلاق حکایت از آن دارد که در این دهه از هر شش ازدواج ثبت‌شده در کشور یکی به طلاق منجر شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش نخست تلاش خواهد شد، از طریق رسم جدول‌ها، شمایی کلی و جامع از آنچه در بخش تحلیل‌ها و تفسیرها حاصل شد ارائه شود. در مراحل تحلیل و در تفسیرها هدف پژوهش حاضر ادغام معانی‌ای است که از متن رمان‌ها استخراج شده است. به وسیله این ادغام‌ها معانی اولیه تولید شد. در مراحل بعدی تفسیرها هم معانی پنهان و نهایی به دست آمد.

رمان‌های دهه ۱۳۴۰

جدول ۲. رمان سفر شب

سطح فرامتن	سطح متن		
	معنای اولیه		
۱. برای طبقه متوسط سرگرمی‌های جدیدی مثل سینما ایجاد می‌شود. ۲. تقابل طبقاتی بین طبقات قدیمی و طبقه متوسط برجسته است. طبقه بورژوا قدرتمند است و طبقه متوسط هم به دنبال یافتن جایگاهی مناسب در جامعه است.	حرف همدیگر را نمی‌فهمند	دیوانه‌بازی درآوردن هومر پدر و پسر با هم به خرید می‌روند.	رخداد
	بیزاری از خانواده	خوابیدن روی تخته‌سنگ ترک همیشگی خانواده	کنش
تفاوت و تقابل دیدگاه‌ها	تفاوت و تقابل دیدگاه‌ها	هومر تنوع طلب است و به دنبال چیزهای تازه؛ سلطه‌ناپذیر پدر خودرأی و مستبد است؛ سلطه‌گر	شخصیت‌پردازی
	اختلافات طبقاتی را به تصویر می‌کشد.		صحنه‌آرایی

جدول ۳. رمان سفر

تحلیل فرامتن	تحلیل متن		
	معنای اولیه		
۱. میزان بی‌کاری افزایش می‌یابد. ۲. کارگران برای یافتن کار به کشورهای حاشیه خلیج فارس مهاجرت می‌کنند. ۳. آمار طلاق در دهه ۱۳۴۰ زیاد می‌شود. ۴. حرکت به سمت مشاغل صنعتی و خدماتی سبب کاهش افراد شاغل در بخش کشاورزی می‌شود.	شرایط بد اقتصادی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	مختار خانه را ترک می‌کند. رخداد کارخانه لاستیک‌سازی وضعیت خانواده علی	رخداد
	آرامش خانواده از بین رفته است.	خودکشی مختار جروبحث‌ها دعواها	کنش
اعضای خانواده ناتوان از حفظ بنیان خانواده‌اند.	اعضای خانواده ناتوان از حفظ بنیان خانواده‌اند.	مرحب در تلاش برای حفظ خانواده ناموفق است. سایرین، متأثر از مشکلات، سبب آشوب بیشتر در خانواده می‌شوند.	شخصیت‌پردازی
	پدیده حلی‌آبادنشینی را نشان می‌دهد.		صحنه‌آرایی

جدول ۴. رمان درازنای شب

تحلیل فرامتن	تحلیل متن	
	معنای اولیه	
۱. احداث سینماها افزایش می‌یابد. ۲. طبقات اجتماعی جدیدی به وجود می‌آید. ۳. امکان ادامه تحصیل سبب افزایش محصلان می‌شود. ۴. طبقه‌های اجتماعی مختلف با هم دچار تقابل می‌شوند.	تضاد و تقابل بین اعضای خانواده	مشاجره با حاج‌عمو
		فاصله‌گرفتن از مادر
		گلاویزشدن با پدر
	بی‌علاقه‌بودن به خانواده	قهر کردن از خانه
		دوری کردن از خانه
		پرخاص به پدر
	والدین و فرزندانشان دنیاها را متفاوتی دارند.	کمال می‌خواهد شکل‌های جدید زندگی را تجربه کند.
		والدین از پسرشان توقع مطیع‌بودن را دارند.
		سبک زندگی و ظاهر شهر در حال تغییر و نوشدن است.
		صحنه‌آرایی

جدول ۵. جدول جامع دهه ۱۳۴۰

معنای پنهان	معنای اولیه	نام اثر
آ: عدم درک متقابل	حرف همدیگر را نمی‌فهمند: (ا)	سفر شب
	بیزاری از خانواده: (ت)	
	تفاوت و تقابل دیدگاه‌ها: (ی)	
ت: گریزانی از خانواده	شرایط بد اقتصادی خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد: (ب)	سفر
	آرامش خانواده از بین رفته است: (ت) و (ی)	
	اعضای خانواده ناتوان از حفظ بنیان خانواده‌اند: (ا)	
ی: بی‌ثباتی خانواده	تضاد و تقابل بین اعضای خانواده: (ی)	درازنای شب
	بی‌علاقه‌بودن به خانواده: (ت)	
	والدین و فرزندانشان دنیاها را متفاوتی دارند: (ا)	

از ترکیب نه معنای اولیه استخراج شده از رمان‌ها، سرانجام، سه معنای پنهان «بی‌ثباتی خانواده»، «گریزانی از خانواده»، و «عدم درک متقابل در خانواده» تولید شد. در رمان‌های سفر شب و درازنای شب، اعضا، به دلیل تفاوت طبقاتی، از یکدیگر فاصله گرفته‌اند. در رمان سفر هم چون هر یک از اعضا مشکل خاصی دارند نمی‌توانند همدیگر را درک کنند و همین امر سبب بی‌ثباتی می‌شود. در سفر شب فراری‌بودن از خانه مشهود است. در درازنای شب هم بی‌علاقه‌بودن به خانواده قابل رؤیت است.

در رمان سفر، دعوای ناشی از بیزاری از بقیه افراد خانواده است. در سفر تقابل وجود دارد، زیرا مشکلات بسیار زیاد اعضا را در مقابل هم قرار می‌دهد و بین آن‌ها مشاجره رخ می‌دهد. در درازنای شب اعضا با هم اختلاف دارند و نمی‌توانند این اختلافات را از بین ببرند. در سفر شب هم تقابل موجود ناشی از این است که افراد با هم تفاهم ندارند. مجموع همه این مطالب به شکل‌گیری معنای پنهان عدم درک متقابل انجامید.

رمان‌های دهه ۱۳۸۰

جدول ۶. رمان پرندۀ من

تحلیل فرامتن	تحلیل متن		
	معنای اولیه	رخداد	کنش
۱. مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته، از جمله کانادا، رو به افزایش است. ۲. کیفیت زندگی و عوامل نهادی در زمینه مهاجرت مؤثر است. ۳. محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، همچون ایران، سبب رشد میزان مهاجرت می‌شود.	اختلاف‌نظر بین زوج‌ها	دعوا بر سر رفتن به کانادا فروش خانه	کنش
	بی‌توجهی به خانواده	کوه رفتن مهاجرت	شخصیت پردازی
	بی‌اعتنایی به سایر افراد خانواده	مرد فقط به دنبال آرزوهای خود است.	صحنه‌آرایی
	وضعیت بد آبرتمان‌نشینی را نشان می‌دهد.		

جدول ۷. رمان کافه پیانو

تحلیل فرامتن	تحلیل متن		
	معنای اولیه	رخداد	کنش
۱. طبقه متوسط جدید در عرصه اجتماع حضور فعالی دارد. ۲. این طبقه شاخص‌هایی دارد، از قبیل میزان تحصیلات، شهرنشینی، و شیوه زندگی. ۳. شمار دانشجویان کشور افزایش می‌یابد. ۴. سبک زندگی در مسائلی همچون نحوه گذران اوقات فراغت و مصرف کالاهای فرهنگی دگرگون می‌شود. ۵. در زمینه‌های ادامه تحصیل و مسائل مربوط به ازدواج و طلاق به زنان توجه خاصی می‌شود. ۶. آمار طلاق زیاد می‌شود.	زیر پا گذاشته شدن اصول خانواده	ورود صافورا به زندگی راوی	کنش
	فاصله‌گرفتن اعضای خانواده از هم	ادامه تحصیل پری‌سیما رفتن به راه‌آهن	شخصیت پردازی
	غفلت از کانون خانواده	پری‌سیما جاه‌طلب است.	صحنه‌آرایی
	طبقه متوسط را در مرکز توجه خود قرار می‌دهد.		

جدول ۸. جدول جامع دهه ۱۳۸۰

معنای پنهان	معنای اولیه	نام اثر
آ: کم‌اهمیت‌شدن خانواده	اختلاف‌نظر بین زوج‌ها: (ت)	پرنده من
	بی‌توجهی به خانواده: (ا)	
ت: تضاد در میان افراد خانواده	بی‌اعتنایی به سایر افراد خانواده: (ی)	کافه پیانو
	زیرپا گذاشته شدن اصول خانواده: (ی)	
ی: لطمه‌دیدن یکپارچگی خانواده	فاصله‌گرفتن اعضای خانواده از هم: (ت)	
	غفلت از کانون خانواده: (ا)	

درباره نخستین معنای پنهان گفتنی است هم شخصیت مرد در پرنده من هم شخصیت زن در کافه پیانو هر دو در رسیدن به خواسته‌ها و آرزوهایشان به تبعات اعمالشان در خانواده اهمیت نمی‌دهند. در دعوای و تصمیماتی که در پرنده من گرفته می‌شود می‌توان تضاد را در میان افراد خانواده ردیابی کرد. در هر دو رخداد ذکر شده واضح است که راوی و همسرش دیدگاه‌های متضادی با هم دارند. در کافه پیانو هم قضیه از همین قرار است؛ راوی با ادامه تحصیل همسرش موافق نیست. از مؤلفه‌های اولیه و از معنای اولیه بی‌اعتنایی به سایر افراد خانواده، زیر پا گذاشته شدن اصول خانواده، و از بین رفتن انسجام و یکپارچگی خانواده را می‌توان دریافت.

در پژوهش حاضر پنج رمان از رمان‌های دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۸۰ بررسی شد. هدف از تحولات دو دهه مذکور پرداختن به اموری بود که تا آن زمان به آنها توجهی نشده بود. شاه می‌خواست به سمت نظام سرمایه‌داری پیش برود و اصلاح‌طلبان نیز در دهه ۱۳۸۰ به دنبال رسیدگی به خواسته‌های طبقه متوسط جدید بودند. وجه اشتراک این دو برهه تاریخی شتاب‌زدگی و سرعت بالای تحولات است. تحولات دهه ۱۳۸۰ در تقابل با قواعدی بود که قریب به بیست سال پس از پیروزی انقلاب در کشور نهادینه شده بود. شتاب‌زدگی این اقدامات زمانی مشخص می‌شود که تلاش شد تا مبنای بیست‌ساله در عرض چند سال محدود متحول شود. در آن روی سکه هم هدف محمدرضا پهلوی دگرگون کردن روابط ریشه‌دار مالک-رعیتی بود. در اینجا هم

نشانه شتاب‌زدگی شاه برای اجرای اقداماتش این بود که همه مراحل سه‌گانه اصلاحات ارضی را در دهه ۱۳۴۰ به تصویب رساند.

معناهای اولیه می‌توانند به پرسش چگونگی بازنمایی خانواده در رمان‌های فارسی پاسخ دهند. با توجه به پانزده معنای اولیه به‌دست‌آمده، می‌توان گفت تصویری که از خانواده بازنمایانده شده تصویری آشفته است. از آنچه با عناوینی همچون «بی‌توجهی به خانواده»، «اختلاف‌نظر بین زوج‌ها»، و «بیزاری از خانواده» به دست آمد این‌گونه استنباط می‌شود که خانواده در اثر فشارهای ساختاری موجود دچار التهاب و آسیب شده است. نقش مؤلفه صحنه‌آرایی در پاسخ‌گویی به پرسش دوم روشن می‌شود. هرچند این مؤلفه بخش اندکی از رمان‌ها را اشغال کرده است، با تصویری که صحنه‌آرایی از فضای خارجی رمان‌ها عرضه می‌کند در واقع تأثیرپذیری رمان‌ها از تحولات اجتماعی-اقتصادی کشور را نشان می‌دهد. صحنه‌آرایی‌هایی همچون حلبی‌آبادنشینی، اختلافات طبقاتی، و وضعیت بد آپارتمان‌نشینی همه از نقش این مؤلفه در نشان‌دادن تأثیرپذیری رمان از فضای اجتماعی خیر می‌دهد. در واقع، رمان‌ها به وسیله مؤلفه صحنه‌آرایی می‌کوشند تا در کنار داستانی که بر ساخته شده است واقعیت‌های جامعه را نیز نشان دهند.

برای پاسخ‌دادن به سومین و آخرین پرسش دوباره باید به معناهای اولیه، پنهان، و نهایی به‌دست‌آمده از تحلیل‌ها اشاره کرد. با مرور تصاویر ترسیم‌شده از خانواده در این دو دهه، می‌توان به صورت درست‌تری به مقایسه پرداخت. در موارد بررسی شده دهه ۱۳۴۰ با سه خانواده روبه‌رو هستیم؛ این خانواده‌ها متأثر از زخدهای اقتصادی و اجتماعی به مشکلات فراوانی دچار می‌شوند و آنچه از آن‌ها دریافت می‌شود گسست بین افراد خانواده و جدایی آن‌ها از هم است؛ گسستی که آن را می‌توان از معناهای اولیه و پنهان هم دریافت کرد. در دهه ۱۳۸۰ نیز خانواده‌های هر دو رمان از مسائل اجتماعی

و اقتصادی در رنج‌اند. مثلاً، معنای پنهان «بی‌ثباتی خانواده» ناشی از رنجی است که این دو خانواده تحمل می‌کنند. در یکی از آن‌ها، زن به دنبال ادامه تحصیل، خانواده خود را ترک می‌کند و در دیگری هم مرد خانه قصد مهاجرت از کشور را دارد. همه این توضیحات گواهی هستند بر اینکه نقطه اشتراکی در میان خانواده‌های تصویرشده در رمان‌ها وجود دارد و آن «واپاشی بنیان خانواده» است که معنای نهایی تحلیل‌ها در نظر گرفته شده است.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۹). *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آسابرگر، آرتور (۱۳۸۰). *روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه، و زندگی روزمره*، ترجمه محمدرضا لیراوی، تهران: انتشارات سروش صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، اداره کل پژوهش‌های سیما، کانون اندیشه.
- اجلالی، پرویز (۱۳۹۲). «شاعره و پذیرش سینما در جامعه و فرهنگ ایران: ۱۲۸۳ - ۱۳۵۷». *گفت‌وگو*، ۶۳: ۱۳۵-۹۹.
- احمدی آریان، امیر (۱۳۹۳). *شعاعرنویسی بر دیوار کاغذی*، تهران: نشر چشمه.
- اشرف، احمد و بنوعیزی، علی (۱۳۸۶). *طبقات اجتماعی، دولت، و انقلاب در ایران*، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱). *دیبچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
- حسامیان، فرخ و دیگران (۱۳۷۷). *شهرنشینی در ایران*، چ ۳، تهران: نشر آگه.
- رنانی، محسن و دیگران (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت از ایران با استفاده از مدل پانل پویا»، *تحقیقات اقتصادی*، ۲: ۳۶۲-۳۳۷.
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹). *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران*، تهران: شعله اندیشه.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲). «تأثیر آزادی اقتصادی، سیاسی، و مدنی بر مهاجرت»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۷۷: ۴۱-۶۹.
- عابدینی، حسن (۱۳۶۸). *صد سال داستان‌نویسی در ایران*، چ ۲، تهران: نشر تندر.
- فوران، جان (۱۳۸۳). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، چ ۵، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

فوزی، یحیی و رضانی، ملیحه (۱۳۸۸). «طبقه متوسط جدید و تأثیرات آن در تحولات سیاسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۱۷: ۱۱-۲۸.

کدی، نیکی. آر. (۱۳۶۹). *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر قلم.

گلدمن، لوسین و دیگران (۱۳۹۲). *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان.

لاچ، دیوید و دیگران (۱۳۸۹). *نظریه‌های رمان*، ترجمه محمدجعفر پوینده، چ ۲، تهران: نیلوفر.

لوتنه، یاکوب (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*، ترجمه امید نیکفرجام، چ ۲، تهران: مینوی خرد.

مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازتابی*، تهران: نشر دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

Abrams, M.H. and Harpham, G.G. (2009). *A Glossary of Literary Terms*, Ninth edition, Boston: Wadsworth Cengage Learning.

Freedman, Philip I. (1969). "Middle Class Value Lower Class Rights", *The Clearing House*, 43(8): 469-470.

Hall, Stuart (1997). *Representation: cultural representations and signifying practices*, London Thousand Oaks, California: Sage in association with the Open University.

Heald, James E. (1964). "In Defense of Middle-Class Values", *The Phi Delta Kappan*, 46(2): 81-83.

Loh, J. (2013). "Inquiry in to issues of trustworthiness and quality in narrative studies: A perspective", *The Qualitative Report*, 18(65): 1-15.

